



۲۰۱۸/۰۳/۰۶

استاد ظریف امین یار

## داکتر غنی اتکای سی ساله را در سه سال از بین برد

افغانستان از منظر جیواقتصادی و جیوسیاسی از موقعیت فوق العاده مهمدر قلب آسیا برخوردار است. هر چند افغانستان همواره از همین نکته آسیب پذیر واقع گردیده است و پیوسته در امر استفاده معقول از موقعیت جغرافیایی خود مواجه به شکست شده است اما اکنون بعد از انتظار سالهای متمادی دیده می شود که تیورسن پراگماتیک افغانستان با درک درست از موقعیت و وضعیت افغانستان و با استفاده از کارت های اقتصادی مبتنی بر تیوریهای پراگماتیک تلاش دارد تا حیثیت سیاسی و اقتصادی افغانستان را در منطقه و جهان احیا نماید.

با ایجاد حکومت دموکراتیک افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان توام با حضور ایالات متحده آمریکا و ناتو دو دیدگاه متفاوت زیر برای احیای اقتصادی و دولت سازی در افغانستان سر میز مذاکره گذاشته شده بود.

1. دیدگاه نخست این بود که افغانستان حد اقل برای یک دهه نیاز ندارد تا در مورد خودکفایی اقتصادی و مطرح کردن پروژه های بزرگ اقتصادی تلاش بخرچ بدهد. تحلیل آمریکاییان و سایر متحدان آن در آن زمان این بود که افغانستان نباید قبل از احیای سیاسی در مورد خودکفایی اقتصادی و احیای حیثیت ترانزیتی و جغرافیایی نگران باشد. بخاطریکه آنها فکر می کردند مطرح کردن چنین موضوعات می توانست به چالشهای دولت افغانستان بیافزاید و یاهم بروز چالشهای بزرگ در آن زمان می توانست باعث نابودی نظام قبل از ایجاد آن شود. آمریکاییان می گفتند وقتی ایالات متحده آمریکا تعهد پایدار برای کمک و یاری با کابل دارد، دیگر نیاز وجود ندارد کابل در ارتباط به مسایل اقتصادی وقت خود را ضایع کند.

2. دیدگاه دوم برخلاف دیدگاه نخست بر خودکفایی اقتصادی از همان آغاز تلاش برای دولت و ملت سازی در افغانستان تاکید می کرد. این دیدگاه تولید ذهنیت یک پیرمرد آکادمیسین، استاد پوهنتونهای متعبر نظیر جان هاپکینز، کالیفورنیا برکلی و اقتصاددان مشهور بانک جهانی داکتر غنی بود. هر چند در آن زمان داکتر غنی از حمایتتعداد بسیار اندک تکنوکراتها برخوردار بود و نظریاتویرا کمتر اشخاص درک می کردند اما امروز باوجودیکه هنوز هم کمتر اشخاصی وجود دارد که تیوریهایداکتر غنی را درک کنند او بعنوان رئیس جمهور منتخب کشور این فرصت را یافته است تا تیوریهای خود را عملی کند و در این کار تا حد زیاد به موفقیت ها نیز نیل یافته است.

داکتر غنی که دارای تحصیلات عالی در حوزه اقتصاد، سیاست و بشرشناسی است و تجربه کافی بعنوان اقتصاددان در بانک جهانی دارد، بخوبی از درد اتکای اقتصادی بالای کشورهای خارجی آگاهی دارد. او می دانست که هیچ کشوری نمی تواند بدون داشتن استقلالیت اقتصادی از استقلالیت کامل سیاسی برخوردار باشد. او اقتصاد را اصالت می دهد و اهداف سیاسی را می خواهد از راه محوریت بر اقتصاد بدست بیاورد. او اعتقاد دارد اقتصاد و سیاست باید باهم برای تحقق اهداف دولت سازی در کشورهای شکست خورده استفاده شود. فکر داکتر غنی اقتصادی-سیاسی است و همواره با حرکات خود مردم را متعجب ساخته است. او خوش دارد متفاوت ببانیدشد و برای موفقیت تیوریهای خود از تمام امکانات، کارتهای سیاسی و منابع اقتصادی و سیاسی استفاده کند. باوجودیکه داکتر غنی نگرش انقلابی، رومانیک و تیوریک دارد، وی بخوبی توانسته است در بسیاری موارد موفق باشد.

وقتی حکومت کرزی به داکتر غنی رسید افغانستان در وضعیت خوب و مطلوب قرار نداشت. دولتخزانه و منابع مادی نداشت، بحران انتخاباتی وضعیت سیاسی کشور را برهم زده بود، کمکهای خارجی بصورت گسترده کاهش یافته بود و اکثریت نیروهای نظامی آمریکایی و ناتو کشور را ترک کرده بودند. همچنان توجه جهان از قضیه افغانستان بسوی کشورهای دیگر معطوف شده بود و طوری معلوم میشد که افغانستان یکبار دیگر در زمان نادرستتها رها شده باشد. آن زمان بزرگترین هدف بقای نظام و افغانستان، نه مسایل دیگر بود. اما یک شخص مسن در این همه کشمکشها، بحران و تهدیدها آمد و در طی سه سال بدون وقفه ۱۶ ساعت کار کرد و نه تنها بقای نظام را قطعی ساخت بلکه

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

چنانبازی کرد که همه معادلات سیاسی را در منطقه تغییر داد و حیثیت جغرافیای افغانستان را یکبار دیگر در منطقه بسویا حیا برد.

وقتی دکتر غنی بعنوان رئیس جمهور کشور آغاز به کار کرد اولویت نخست او در بحث اقتصادی ختم اتکای اقتصادی افغانستان بالای پاکستان و ایجاد الترناتیف اقتصادی قابل اعتماد و اقتصادی بود. دکتر غنی می دانست که اتکای اقتصادی بالای پاکستان می تواند بالای کابل فشارهای سیاسی وارد کند و در آن صورت کابل نمی تواند تمام تصمیم سیاسی خود را بطور خودمختار عملی کند. او بیشتر از هر پروژه دیگر بالای چابهار کار کرد و رویای چابهار را به یک حقیقت مبدل ساخت که آن را می توان یک دست آورد تاریخی برای افغانستان دانست. این کار هرگز ساده نبود، بخاطر اینکه در حین زمانکسب رضایت دولت هندوستان و ایران در چنین وضعیت آسان بنظر نمی خورد. اما دکتر غنی بامطرح کردن اینکه افغانستان نقطه اتصال اقتصادی برای آسیا خواهد بود عملاً تلاش کرد تیوری تضاد منافع اقتصادی را در منطقه خنثی کند. او گفت: "افغانستان بعنوان قلب آسیا توانایی آن را دارد که نقطه منافع اقتصادی آسیا باشد." او با اتخاذ رویکرد موفقانه در تعامل با کشورهای منطقه و جهان توانست نتایج مطلوب بدست بیاورد که یکی آن ختم اتکای اقتصادی پاکستان است. او بارها گفت که حالا فصل همکاری و همگرایی در منطقه فرارسیده است و افغانستان بیش از این نمی خواهد در انزوا باشد. او گفت: "همکاری و همگرایی منطقی به نفع همه کشورها است." او برای اولین بار بعد از حکومت سردار محمد داود خان تیوری برد برد همگرایی اقتصادی منطقی را معرفی کرد. غنی با درک درست از سیاست خارجی برای حفظ حاکمیت، و دفاع از موجودیت و تامین منافع افغانستان توانست دست آوردهای ملموسی را رقم بزند. او در هر دو بخش سیاست خارجی یعنی بخش ثابت و بخش متغیر بسیار دقیق بازی کرد و تلاش کرد حیثیت باد رفته افغانستان را دوباره احیا کند.

در جریان حکومت کرزی و همچنان در اوایل حکومت دکتر غنی وقتی شما از کسی سوال می کردید که آیا ممکن است افغانستان از اتکای اقتصادی بالای پاکستان رهایی یابد عموماً پاسخ منفی می بود. حتی اقتصاددان و کارشناسان کشور نیز تصور نمی کردند که به این زودی روزی فرا خواهد رسید که ما دیگر بالای پاکستان از لحاظ اقتصادی متکی نخواهیم بود. اما اینکه این رویای افغانستان فقط در سه سال حکومت دکتر غنی بدست آمد واقعاً بدور از تصور بود. کارشناسان داخلی و خارجی (بخصوص پاکستانی ها) حیران هستند که دکتر غنی چگونه توانست اتکای سی ساله اقتصادی افغانستان بالای پاکستان را در ظرف فقط سه سال حکومت که درگیر مخالفت های شدید داخلی هم بود؛ از بین برد. لیکن وقتی حیثیت و وقار جهانی دکتر غنی و عملکرد سه ساله او را بررسی می کنند آنها بیشتر نگران آینده کشور خود می شوند و به توانایی و ظرفیت سیاسی و اقتصادی دکتر غنی تن می دهند.

دکتر غنی با سیاستهای موفق اقتصادی و تیوریهای انقلابی خود اینک توانست حدود ۵۰ درصد تجارت با پاکستان را کاهش دهد. این دست آورد از یک جانب ختم اتکای سی ساله افغانستان بالای پاکستان را نشان می دهد و از جانب دیگر ضربه اقتصادی بزرگ بالای اقتصاد متزلزل پاکستان وارد می کند. درحالیکه ظرفیت تجارت بین افغانستان و پاکستان به راحتی می تواند تا ۵ میلیارد دلار آمریکایی در یک سال بالغ گردد اما اکنون در طی دو سال از ۲/۷ میلیارد دلار به ۱/۲ میلیارد دلار آمریکایی افت کرده است. از دست دادن بازارهای افغانستان برای پاکستان بروضعیت اشتغال و کاروبار در آن کشور تاثیر خیلی منفی داشته است و اقتصاد مردم آن کشور را متضرر ساخته است. هر چند کاهش تجارت با پاکستان تاثیرات منفی بالای وضعیت اقتصادی افغانستان نیز گذاشته است اما ارزش آن به اندازه پاکستان نیست. چیزی که برای افغانستان تا دیروز رویا بنظر می رسید آن را امروز تیورسن پراگماتیک افغانستان به عمل مبدل ساخته است. اما متأسفانه هنوز هم مردم افغانستان ارزش رئیس جمهور خود را نمی دانند و بالای آن برجسپ های احساسی و غیر منطقی وارد می کنند. این درحالی است که همه کشورهای خارجی از سیاست موفق خارجی دکتر غنی یاد می کنند اما در داخل کشور ما هنوز هم مردمی وجود دارد که دنبال تفکر پیرویگدادی هستند و پیوسته برای تخریب نظام که بدیل هم ندارد تلاش می ورزند. لیکن هیچ نمی دانند که اگر این بار ما ناکام شویم متیقن باشید ما دوباره به یک غنی دیگر نیاز خواهیم داشت.

به امید افغانستان غنی؛ مستقل، خودکفا و مقتدر

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پازوالي دلېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ